

سال ۱۴۲۵ ق. ارسال گوسفند استرالیایی به عربستان متوقف شده است.<sup>۱</sup>

### ◀ منابع

استرالیا (مباحث کشورها و سازمان‌های بین المللی/۳۴): تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۵ ش؛ جغرافیای کشور استرالیا: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح و اداره اطلاعات جغرافیایی، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸ ش؛ حج ۲۵: رضا مختاری، گزارشی از حج‌گزاری ۱۴۲۵ ق؛ حج ۲۷: حسن مهدویان، گزارشی از حج‌گزاری ۱۴۲۷ ق؛ مکتب اسلام (ماهنامه): قم، مؤسسه مکتب اسلام.

www.islamicity.com.

www.travelvax.com.au.

www.islamicity.com.

www.ausiemuslims.net.

Proceeding of the 8th Hawaii international conference on arts and humanities, Honolulu, Hawaii, January, 2010: world Muslim population; www.ahl-ul-bayt.com.

Proceeding of the 8th Hawaii international conference on arts and humanities, Honolulu, Hawaii, January 2010: world Muslim population.

گروه حج‌گزاری



۱. حج ۲۵، ص ۲۳۰، ۳۵۴.

## اکتحال ← سرمه کشیدن

**التذاذ جنسی: شماری از محرّمات،**

**دارای آثاری وضعی همچون بطلان حج و**

**وجوب کفاره**

واژه التذاذ از ریشه «ل - ذ - ذ» به معنای لذت بردن و مزه یافتن است.<sup>۲</sup> مقصود از التذاذ جنسی، هر گونه بهره‌وری جنسی است که در متون و منابع دینی با تعابیری چون استمتاع<sup>۳</sup> (نساء/۴، ۲۴)، تمتع<sup>۴</sup> و مقدمات جماع<sup>۵</sup> بدان اشاره می‌شود. التذاذ جنسی، خواه به گونه مشروع و خواه نامشروع، مصادیق گوناگون دارد؛ از جمله آمیزش، بوسیدن، نگاه کردن، تماس شهوت‌آمیز، و استمناء. بهره‌وری جنسی از دیدگاه شرعی گاه جایز به شمار می‌رود و گاه حرام است. نوع نخست از نظر تکلیفی بر چهار گونه است: واجب، مستحب، مکروه و مباح. نوع دوم نیز خود بر دو گونه است:

۱. التذاذی که ذاتاً و در اصل حرام باشد؛ مانند کامیابی‌های جنسی بیرون از چارچوب ازدواج و مالکیت.
۲. التذاذ حرام بالعرض؛ یعنی

۲. تاج العروس، ج ۵، ص ۳۹۳، «لذذ»؛ لغت‌نامه، ج ۲، ص ۲۷۲۴، «التذاذ».

۳. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۱۴۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۰۷.

۴. احکام القرآن، ابن عربی، ج ۱، ص ۴۸۶؛ اعانة الطالبین، ج ۴، ص ۹۰.

۵. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۸۰؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۴۳؛ مسالک الافهام، ج ۷، ص ۳۰۷.

جمله سخن گفتن درباره آمیزش، معین کردن هنگام آمیزش<sup>۴</sup>، مقدمات آمیزش همچون شوخی، لمس و تماس جنسی، و نیز مفهومی عام که شامل همه موارد پیشین می‌گردد.<sup>۵</sup> در این آیه، حکمت ممنوعیت التذاذ جنسی و دیگر بهره‌مندی‌های مادی، ایجاد ملکه تقوا در انسان یاد شده است: ﴿وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾. در برخی حدیث‌ها نیز بهره‌وری جنسی در حال احرام ممنوع به شمار رفته است.<sup>۶</sup>

❖ **احکام:** بر پایه مذاهب گوناگون فقهی، هرگونه التذاذ جنسی در حال احرام حرام به شمار می‌رود و موجب کفاره است. اما به باور برخی مذاهب، تنها اندکی از آن‌ها موجب فساد حج می‌شود.<sup>۷</sup> مهم‌ترین مصداق‌های التذاذ جنسی یاد شده در منابع فقهی عبارتند از:

❖ **۱. بوسیدن:** به باور فقیهان شیعه<sup>۸</sup> و اهل سنت<sup>۹</sup> به پشتوانه آیه ۱۹۷ بقره/۲ و احادیث، بوسیدن شهوت‌آمیز بر محرم حرام است. حتی

۴. مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۳؛ تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۴۰۸.

۵. احکام القرآن، ج ۱، ص ۳۷۲؛ التفسیر الکبیر، ج ۵، ص ۱۸۰؛ الامثل، ج ۲، ص ۵۰.

۶. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۲۹-۱۴۰؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶۹.

۷. نک: الموسوعة الفقهية، ج ۳، ص ۷۸-۸۰.

۸. رسائل المرتضی، ج ۳، ص ۶۵؛ المبسوط، ج ۱، ص ۳۲۰؛ کتاب الحج، ج ۴، ص ۹۶.

۹. بدائع الصانع، ج ۲، ص ۱۹۵؛ الموسوعة الفقهية، ج ۳، ص ۷۹.

کامیابی‌های جنسی که ذاتاً حرام نیست، اما در وضعیتی خاص حرام می‌شود؛ مانند کامیابی جنسی از همسر در هنگام عادت ماهانه یا پاره‌ای کامیابی‌های جنسی در هنگام روزه، اعتکاف، و حالت احرام.<sup>۱</sup> از موارد ممنوعیت التذاذ جنسی، کامیابی برای شخص محرم، خواه زن و خواه مرد، است که تا هنگام بیرون آمدن از احرام (تحلل) ادامه دارد. به باور شماری از فقیهان، وجه نام‌گذاری حج تمتع همین است که انجام دادن محرّمات احرام، از جمله کامیابی جنسی، در فاصله میان اتمام عمره تا احرام بستن دیگر بار برای حج پس از گزاردن عمره، حلال می‌شود.<sup>۲</sup> این مقاله از میان مصادیق التذاذ جنسی به حکم تکلیفی و وضعی مهم‌ترین آن‌ها جز آمیزش و استمناء (نک: آمیزش\*؛ خودارضایی\*) در مناسک حج می‌پردازد.

برخی آیات قرآن به حکم التذاذ جنسی در حج پرداخته‌اند. مثلاً در آیه ۱۹۷ بقره/۲ از «رَفَثٌ» در حج منع شده است: ﴿فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثٌ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ...﴾. به باور مشهور<sup>۳</sup>، مقصود از «رفث» آمیزش جنسی یا اموری دیگر است؛ اما برخی معانی دیگر نیز برای آن یاد شده است؛ از

۱. نک: الموسوعة الفقهية، ج ۳، ص ۷۸-۸۰.

۲. تذكرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۱۲؛ فتح العزيز، ج ۷، ص ۱۲۷.

۳. جامع البیان، ج ۲، ص ۳۶۵؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۳.

برخی فقیهان بوسیدن بدون شهوت را نیز بر او حرام شمرده‌اند.<sup>۱</sup> با این همه، فقیهان این کار را موجب بطلان حج ندانسته‌اند؛<sup>۲</sup> هر چند برخی فقیهان اهل سنت<sup>۳</sup> از مالکیان و حنبلیان، در صورتی که بوسه به انزال بینجامد، حج را باطل می‌شمرند. کفاره بوسیدن شهوت‌آمیز همسر، خواه به انزال منجر شود یا نشود، به باور بیشتر فقیهان اهل سنت، قربانی کردن گوسفند است.<sup>۴</sup> به باور برخی فقیهان امامی<sup>۵</sup>، کفاره این کار به پشتوانه برخی روایات، قربانی کردن شتر است. اما شماری دیگر<sup>۶</sup> به پشتوانه حدیث‌های خاص یا اقتضای سازگاری احادیث<sup>۷</sup> در فرضی که بوسه به انزال بینجامد، قربانی کردن شتر و در فرض حاصل نشدن انزال، قربانی کردن گوسفند را واجب شمرده‌اند. تفصیل میان انزال و عدم انزال، مورد نقد برخی فقیهان قرار گرفته است.<sup>۸</sup> به باور فقیهان امامی<sup>۹</sup> کفاره بوسیدن همسر

بدون شهوت، گوسفند است. فقیهان اهل سنت این کار را جایز دانسته، مشمول کفاره نمی‌دانند.<sup>۱۰</sup> بر پایه حدیثی از امام صادق (علیه السلام) بوسه بر بدن مادر از روی رحمت (= بدون شهوت) بر احرام گزار حرام نیست.<sup>۱۱</sup> کفاره بوسیدن همسر پس از گزاردن طواف نساء در حال احرام، گوسفند است که در صورت پذیرش زن، بر عهده او است و گرنه بر عهده شوهر است.<sup>۱۲</sup> به تصریح برخی فقیهان امامی<sup>۱۳</sup>، بوسیدن غیر همسر اگر به انزال بینجامد، مشمول کفاره شتر است.

**۲۷. تماس بدنی شهوت‌آمیز: تماس شهوانی مُحرم با همسر خود یا فرد بیگانه به پشتوانه آیه ۱۹۷ بقره/۲ و احادیث، حرام و موجب کفاره است.**<sup>۱۴</sup> اما تماس با همسر یا هر فرد دیگر بدون شهوت بر احرام گزار حرام نیست و کفاره نیز ندارد<sup>۱۵</sup>، حتی اگر به باور برخی فقیهان<sup>۱۶</sup> اتفاقاً به انزال بینجامد. برخی فقیهان اهل سنت<sup>۱۷</sup> لمس شهوت‌آمیز را اگر

۱. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۰۳-۲۰۴.

۲. المغنی، ج ۳، ص ۳۲۴؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۴۴.

۳. المغنی، ج ۳، ص ۳۲۳؛ حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۶۸؛ بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۲۹۷.

۴. المغنی، ج ۳، ص ۳۲۴، ۳۲۸؛ البحر الرائق، ج ۳، ص ۲۵؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۴۴.

۵. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۳۸؛ رسائل المرتضی، ج ۳، ص ۷۰.

۶. المراسم العلویة، ص ۱۱۸؛ السرائر، ج ۱، ص ۵۵۲.

۷. تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۵۶؛ کتاب الحج، ج ۴، ص ۹۷.

۸. کتاب الحج، ج ۴، ص ۹۷-۹۸.

۹. المبسوط، ج ۱، ص ۳۳۸؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۶۲.

۱۰. المجموع، ج ۷، ص ۴۱۱.

۱۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۷۷؛ نک: جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۰۴.

۱۲. المقنعه، ص ۴۳۹-۴۴۰؛ کتاب الحج، ج ۴، ص ۹۸-۹۹.

۱۳. المبسوط، ج ۱، ص ۳۳۷.

۱۴. المبسوط، ج ۱، ص ۳۲۰؛ المجموع، ج ۷، ص ۴۱۰-۴۱۱؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۹۵.

۱۵. المجموع، ج ۷، ص ۴۱۱؛ جامع المقاصد، ج ۳، ص ۳۵۱؛ کتاب الحج، ج ۴، ص ۱۰۰-۱۰۱.

۱۶. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۶۲؛ کتاب الحج، ج ۴، ص ۱۰۲.

۱۷. نک: الموسوعة الفقهیة، ج ۳، ص ۷۹.

آن بدین گونه است: کفاره شخص توانگر، شتر؛ کفاره شخص معمولی، گاو؛ و کفاره فقیر، گوسفند است.<sup>۸</sup> تشخیص توانگر یا فقیر بودن شخص محرم با عرف است.<sup>۹</sup> همچنین به باور فقیهان امامی<sup>۱۰</sup> نگاه شهوت آمیز احرام گزار به همسر خود در صورتی کفاره دارد که به بیرون آمدن منی بینجامد و کفاره آن به پشتوانه احادیث، شتر است.

به باور برخی فقیهان اهل سنت<sup>۱۱</sup>، نگاه شهوت آمیز حتی اگر با انزال همراه باشد، کفاره ندارد. برخی<sup>۱۲</sup> کفاره آن را گوسفند دانسته و شماری دیگر<sup>۱۳</sup> در صورت تکرار نگاه، شتر و در غیر این صورت گوسفند را کفاره شمرده‌اند. برخی فقیهان اهل سنت<sup>۱۴</sup> نگاه همراه با بیرون آمدن منی را نیز موجب کفاره گوسفند دانسته‌اند. اما به باور فقیهان امامی، در این فرض کفاره‌ای واجب نیست.<sup>۱۵</sup> شماری دیگر از فقیهان اهل سنت، تنها در

مقدمه آمیزش شود و به انزال بینجامد، موجب بطلان حج دانسته‌اند. کفاره لمس با شهوت به باور فقیهان امامی، به پشتوانه روایات، گوسفند است، خواه با انزال همراه باشد و خواه نباشد.<sup>۱</sup> به باور مشهور فقیهان اهل سنت<sup>۲</sup> کفاره آن گوسفند است؛ هر چند برخی فقیهان در پاره‌ای موارد، به ویژه هنگامی که لمس به انزال منتهی شود، کفاره آن را کفاره آمیزش یعنی شتر دانسته‌اند.<sup>۳</sup>

۳. نگاه شهوت آمیز: از دیدگاه فقهی، نگاه شهوت آمیز احرام گزار به همسر خود مطلقاً حرام است، حتی اگر به انزال نینجامد.<sup>۴</sup> اما نگاه بدون شهوت جایز به شمار می‌رود، حتی اگر به انزال بینجامد.<sup>۵</sup> به باور اندکی از فقیهان اهل سنت، برخی مصداق‌های نگاه ممکن است به تباهی حج بینجامد.<sup>۶</sup> به باور فقیهان شیعه، نگاه شهوت آمیز به نامحرم بدون تحقق انزال کفاره ندارد.<sup>۷</sup> اما در صورتی که این کار به بیرون آمدن منی بینجامد، به پشتوانه احادیث، کفاره

۸. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۶؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۶۱؛ کتاب الحج، ج ۴، ص ۱۰۴.  
 ۹. کتاب الحج، ج ۴، ص ۱۰۴.  
 ۱۰. جواهر الکلام، ج ۲، ص ۳۸۷-۳۸۸؛ کتاب الحج، ج ۴، ص ۱۰۶.  
 ۱۱. المغنی، ج ۳، ص ۳۳۰؛ المجموع، ج ۷، ص ۴۱۳.  
 ۱۲. المغنی، ج ۳، ص ۳۳۰؛ المجموع، ج ۷، ص ۴۱۳.  
 ۱۳. المغنی، ج ۳، ص ۳۳۰؛ المجموع، ج ۷، ص ۴۱۳؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۴۵.  
 ۱۴. المغنی، ج ۳، ص ۳۳۲.  
 ۱۵. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۶۱.

۱. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۶۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۰۳؛ ۳۸۹؛ کتاب الحج، ج ۴، ص ۱۰۱.  
 ۲. المجموع، ج ۲، ص ۱۹۴؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۲۸؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۴۴-۲۴۵.  
 ۳. نک: المغنی، ج ۳، ص ۳۲۲؛ الموسوعة الفقهیه، ج ۳، ص ۹۵.  
 ۴. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۶؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۸۲؛ الموسوعة الفقهیه، ج ۲، ص ۱۹۲.  
 ۵. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۶۱-۶۲؛ کتاب الحج، ج ۴، ص ۱۰۶.  
 ۶. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۴۲.  
 ۷. کتاب الحج، ج ۴، ص ۱۰۵.

صورت انزال، کفاره گوسفند را واجب می‌دانند.<sup>۱</sup>

▼ **۴. دیگر موارد:** در پاره‌ای منابع فقهی، مصداق‌هایی دیگر از التذاذ جنسی موجب تباهی حج یا وجوب کفاره قلمداد شده است. مثلاً به باور برخی فقیهان اهل سنت، از جمله مالک بن انس، اگر فکر شهوانی و تحیل آمیخته با شهوت تداوم یابد و به انزال بینجامد، حج احرام‌گزار را باطل می‌سازد و در صورت تحقق نیافتن انزال، کفاره شتر را واجب می‌کند.<sup>۲</sup> اما بر پایه مذاهب دیگر، فقط فکر شهوانی از آن رو که تبعات آن اختیاری نیست، کفاره‌ای در بر ندارد و حتی حرام نیز نیست.<sup>۳</sup> بازی جنسی مُحرم با همسر نیز هر گاه به انزال بینجامد، به باور فقیهان امامی<sup>۴</sup> مشمول کفاره شتر و در صورت ناتوانی، گوسفند است. اما به باور آنان، شنیدن صداها یا شهوت‌آمیز که به انزال بینجامد، وجوب کفاره را در پی ندارد، مگر آن‌که انزال برآمده از نگاه شهوانی باشد.<sup>۵</sup>

۱. نک: المعنی، ج ۳، ص ۳۳۳؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۴۵.  
 ۲. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۴۲؛ الموسوعة الفقهیة، ج ۳، ص ۹۵؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۴۵.  
 ۳. المعنی، ج ۳، ص ۳۳۳-۳۳۴؛ کتاب الحج، ج ۴، ص ۱۱۰؛ الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۲۴۵.  
 ۴. التهذیب، ج ۵، ص ۳۲۷؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۶۲؛ کتاب الحج، ج ۴، ص ۱۰۳.  
 ۵. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۶۲-۶۳.

#### ◀ منابع

احکام القرآن: ابن العربی (م. ۵۴۳ق.)، به کوشش محمد، لبنان، دار الفکر؛ احکام القرآن: الجصاص (م. ۳۷۰ق.)، به کوشش عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق؛ اعانة الطالبین: السید البکری الدمیاطی (م. ۱۳۱۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۸ق؛ الامثل: مکارم الشیرازی، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع.)، ۱۴۲۱ق؛ البحر الرائق: ابونجیم المصری (م. ۹۷۰ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق؛ بدایة المجتهد: ابن رشد القرطبی (م. ۵۹۵ق.)، به کوشش العطار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ بدائع الصنائع: علاء الدین الکاسانی (م. ۵۸۷ق.)، پاکستان، المكتبة الحیبیة، ۱۴۰۹ق؛ تاج العروس: الزبیدی (م. ۱۲۰۵ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ تحریر الاحکام الشرعیة: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش بهادری، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع.)، ۱۴۲۰ق؛ تذکرة الفقهاء: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، آل البیت (ع.)، ۱۴۱۴ق؛ تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن): القرطبی (م. ۶۷۱ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ التفسیر الکبیر: الفخر الرازی (م. ۶۰۶ق.)، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۳ق؛ تهذیب الاحکام: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ش؛ جامع احادیث الشیعة: اسماعیل معزی ملایری، قم، المطبعة العلمیة، ۱۳۹۹ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ جامع المقاصد: الکرکی (م. ۹۴۰ق.)، قم، آل البیت (ع.)، ۱۴۱۱ق؛ جواهر الکلام: النجفی (م. ۲۶۶ق.)، به کوشش قوچانی و

محمد علی الانصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ق؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۲ق.

اسماعیل حائری - محمد قدیریان



## الجزایر: کشوری مسلمان در آفریقای

### شمالی

جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر، به پایتختی الجزائر (در فارسی: الجزیره)<sup>۱</sup> در بخش مرکزی آفریقای شمالی، میان مراکش در غرب و تونس در شرق قرار دارد.<sup>۲</sup> نام این کشور از پایتخت آن، بندر الجزایر، برگرفته شده که پیشتر آن را جزایر «بنی مزغنا» می‌نامیده‌اند.<sup>۳</sup> الجزایر به عنوان یک هویت مستقل سیاسی، پیشینه‌ای ۴۰۰ ساله دارد<sup>۴</sup> و پیشتر آن را به عنوان بخشی از مغرب بزرگ، مغرب میانه (المغرب الاوسط) می‌نامیدند. مغرب میانه تقریباً شامل مناطقی بوده که امروزه به عنوان مناطق مرکزی و غربی الجزایر کنونی شناخته می‌شوند.<sup>۵</sup> (تصویر شماره ۲)

۱. جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۶.

2. Encyclopedia of Islam, vol. 1, p346.

۳. تاریخ و تمدن مغرب، ج ۲، ص ۲۱۵.

۴. تاریخ و تمدن مغرب، ج ۳، ص ۱۶۵.

۵. تاریخ و تمدن مغرب، ج ۱، ص ۲۹؛ مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی

اجتماعی شمال آفریقا، ص ۱۹۵.

دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ حاشیة الدسوقی: الدسوقی (م. ۱۲۲۰ق.)، احیاء الکتب العربیة؛ رسائل المرتضی: السید المرتضی (م. ۴۳۶ق.)، به کوشش حسینی و رجایی، قم، دار القرآن، ۱۴۰۵ق؛ السرائر: ابن ادریس (م. ۵۹۸ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق؛ شرائع الاسلام: المحقق الحلی (م. ۶۷۶ق.)، به کوشش سید صادق شیرازی، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ق؛ فتح العزیز: عبدالکریم بن محمد الرافعی (م. ۶۲۳ق.)، دار الفکر؛ الفقه الاسلامی و ادلتہ: وهبة الزحیلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ الکافی: کلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۵ش؛ لغت‌نامه: دهخدا (م. ۱۳۳۴ش) و دیگران، مؤسسه لغت‌نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش؛ المبسوط فی فقه الامامیة: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش بهبودی، تهران، المکتبة المرتضویة؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ق؛ المجموع شرح المہذب: النووی (م. ۶۷۶ق.)، دار الفکر؛ مختلف الشیعة: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق؛ المراسم العلویة: سلار حمزة بن عبدالعزیز (م. ۴۴۸ق.)، به کوشش حسینی، قم، المجمع العالمی لأهل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق؛ مسالک الافہام الی تنقیح شرائع الاسلام: الشہید الثانی (م. ۹۶۵ق.)، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ المعتمد فی شرح المناسک: محاضرات الخوئی (م. ۱۴۱۳ق.)، الخلیالی، قم، مدرسه دار العلم، ۱۴۱۰ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامہ (م. ۶۲۰ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیة؛ المقنعة: المفید (م. ۴۱۳ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ مواهب الجلیل: الخطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق؛ الموسوعة الفقهیة المیسرة: